از خاکریز تا خاطره؛ روایت مردان دفاع مقدس

سیده یاسمن رودباری

دفـــاع مقـــدس؛ سرمایه اجتماعی و فرهنگی مردم ایران اسلامی

پدر جـــان، من به یاد ســـگ‌های آبادی می‌افتم که وقتی حمله‌ور می‌شدند، اگر نمی‌ترسیدی، هرگز جرات جلو آمدن را نداشـــتند و به کوچک‌ترین تکان دست تو پا به فرار می‌گذاشـــتند؛ وگرنه، اگر از آنها می‌ترســـیدی، جرات می‌یافتنـــد و حمله می‌کردند. اسرائیل ســـرزمین‌های ما را همین‌گونه اشغال کرده است. این عبارت در نوشته‌ای از شهید سید مرتضی آوینی با حال‌وهوای روایت جبهه و عملیات والفجر ۸ آمده اســـت و چه زیبا، او خطاب به پدرش از خاطرات حمله دشمن سخن می‌گوید.

ســـؤالم از تو این اســـت: انســـان‌هایی را می‌شناسی که روزها و شب‌ها ناز خدا را کشیده باشند؛ در رزم و سکون، در قیام‌وقعود، نیازها گفته و رازها شنیده باشند؟ انسان‌هایی که اناالحق را نه‌فقط در کلام که در رفتار و جانشـــان فریاد کرده باشند؟ همان‌ها که وَالسّابِقُونَ السّابِقُونَ بر پیشانی‌شان حک شده بود؛ مردانی که رقص برای خدا را در خون خود به تماشا نشســـتند، خون را ســـجده‌گاه کردند و با شهادت، خطبه‌ای ماندگار برای تاریخ خواندند. این‌جا سخن از جان‌فشانی است؛ از آدم‌هایی که برای فهم دقیق معنای آن، باید پای روایتشان نشست. در این گزارش که به مناسبت هفته دفاع مقدس تهیه شده همراه ما باشید.

آن روزها که ایران ایستاد

۳۱ شهریور ۱۳۵۹، با نخســـتین گلوله‌های رژیم بعث، ایران وارد دوره‌ای شد که بعدها دفاع مقدس نام گرفت. هشت ســـال مقاومت، نه‌فقط یک جنگ که آزمون بزرگ یک ملت بود؛ آزمونی که در آن ایمان، وحدت و ایســـتادگی، بر قدرت ماشین جنگی دشمن غلبه کرد.

هفته دفاع مقدس، صرفاً یک مناســـبت تقویمی نیست. این هفته، فرصتی بـــرای بازخوانی حافظه جمعی ایرانیان و پرســـیدن یک پرسش کلیدی است: چگونه ملتی با کمترین امکانات، در برابر تجاوزی بین‌المللی ایســـتاد و سربلند ماند؟ پاسخ را باید در ترکیب رهبری دینی، حضور مردمی، وحدت ملی و باور به آرمان‌های انقلاب جست‌وجو کرد.

جنگ تحمیلی؛ خاطراتی که هنوز زنده‌اند

جنگ تحمیلی، مرزهای جغرافیایی را هدف گرفته بود، اما دشـــمن با قدرتی بزرگ‌تر از ارتش روبه‌رو شد: ملتی که جبهه و شـــهر را یکی کرده بود. از نوجـــوان داوطلب تا مادر پشت‌جبهه، از رزمنده تا امدادگر، از دانش‌آموز تا پرستار، همه در ساختن این حماسه سهم داشتند. دفاع مقدس نشان داد مقاومت، تنها به سلاح نیست؛ به باور، سازمان‌دهی، فداکاری و ایستادگی است.

آنچه این هشـــت ســـال را مقدس کـــرد، نه‌فقط خون شهیدان، بلکه معنای تازه‌ای بود که به مفاهیمی چون وطن، دین، عزت و استقلال بخشیده شد. دشمن می‌خواست ایران را تجزیه کند، انقلاب را سرنگون سازد و اراده ملت را بشکند؛ اما نتیجه معکوس شد. دفاع مقدس به یک سرمایه اجتماعی و فرهنگی تبدیل شد که تا امروز نیز اثرگذار است.

پای روایت مردان دفاع

سردار جعفر جهروتی‌زاده رزمنده و جانباز دفاع مقدس دربـــاره آغاز فعالیت‌های انقلابی خود بیان می‌کند که حدود ۱۷ ســـال دارد کـــه فعالیت‌هایش در دوران مبـــارزه با رژیم شاهنشاهی آغاز می‌شـــود. پس از پیروزی انقلاب، احساس می‌کند باید از دستاوردهای انقلاب دفاع کند.

جهروتی‌زاده روایت می‌کند، مدتی پس از پیروزی انقلاب، در جریان اتفاقـــات مهاباد و حمله نیروهـــای ضدانقلاب به پادگان، همراه شهید عبدالله امره‌ای از دفتر آیت‌الله طالقانی به مهاباد اعزام می‌شود. به گفته او، زمانی که به منطقه می‌رسند، وضعیت بسیار بحرانی است؛ پادگان به دست ضدانقلاب افتاده و توپ‌های ۱۰۵ میلی‌متری به ارتفاعات منتقل شده و شهر را زیـــر آتش گرفته‌اند. بیمارســـتان و درمانگاه‌ها نیز مملو از مجروحان و شهدا هستند و تعداد زیادی از قربانیان را زنان و کودکان تشکیل می‌دهند.

او ادامه می‌دهد: پس از مهاباد، مدتی در صداوســـیمای سنندج مستقر می‌شوند. نیروهای ضدانقلاب چندین بار برای تصرف صداوسیما حمله می‌کنند، اما با مقاومت نیروها موفق نمی‌شوند این مرکز را به تصرف خود درآورند.

جهروتی‌زاده درباره حضور در بانه نیز روایت می‌کند: پس از سنندج به سمت بانه حرکت می‌کنند و در مسیر، در گردنه خان، درگیری‌هایی رخ می‌دهد. زمانی که به ورودی شهر بانه می‌رسند، نیروهای مسلح ضدانقلاب در شهر مستقر هستند. شـــهید عبدالله امره‌ای بـــرای اینکه بتوانند بـــدون درگیری وارد شـــهر شوند، دستور می‌دهد سلاح‌ها را زیر صندلی‌های مینی‌بوس مخفی کنند و لباس‌های نظامی را از تن دربیاورند. آنها با ظاهر مســـافران عادی وارد شهر می‌شوند و خود را به فرمانداری می‌رسانند.

به گفته او، پس از ورود به فرمانداری، درگیری شدیدی آغاز می‌شـــود. شـــهید غلامعلی پیچک بالای ســـاختمان فرمانداری با یک قبضه کالیبر ۵۰ مستقر می‌شود و درگیری از بعدازظهر تا صبح ادامه پیدا می‌کند. پس از عقب‌نشـــینی نیروهای ضدانقلاب، نیروها در فرمانداری مستقر می‌شوند و مدتی بعد حاج احمد متوســـلیان فرماندهی آنجا را برعهده می‌گیرد.

جهروتی‌زاده شرایط نیروها در آن روزها را بسیار سخت توصیف می‌کنـــد و می‌گوید، گاهی حتی برای آب خوردن و وضو گرفتن نیز با مشـــکل مواجه می‌شوند و از بالای کوه‌ها برف می‌آورند و آب می‌کنند. به گفته او، امکانات بسیار محدود است و نیروها با سختی زیادی زندگی می‌کنند.

او ادامه می‌دهد، مدتی بعد بخشی از نیروها با بالگرد به سقز منتقل می‌شوند. وضعیت نیروها به دلیل کمبود امکانات و شـــرایط سخت بسیار نامناسب می‌شود و تعدادی از نیروها بیمار می‌شـــوند؛ به‌گونه‌ای که ادامه ماندن در آنجا برایشان خطرناک می‌شود.

این رزمنده دفاع مقـــدس درباره ادامه فعالیت‌های خود می‌گوید پس از بانه به کرمانشـــاه و سپس به کامیاران اعزام می‌شود. در کامیاران همزمان فرمانده محور و مسئول آموزش نظامی نیروهای بومی است و نیروهایی که از مناطق مختلف می‌آینـــد، آموزش می‌بینند. پس از آن بـــه مریوان می‌رود و مسئولیت فرماندهی محور را بر عهده می‌گیرد.

او از منطقه‌ای به نام ســـلطان احمـــد در مریوان نیز یاد می‌کند و می‌گوید، زمین این منطقه به‌شـــدت آلوده به مین اســـت. تعدادی از نیروهای ارتش برای پاکســـازی منطقه می‌روند، اما دو شهید و دو مجروح می‌دهند و نمی‌توانند کار را ادامه دهند. در ادامه، نیروهای تحت مسئولیت او وارد منطقه می‌شوند و حدود سه هزارمین ضدنفر را خنثی می‌کنند.

جهروتـــی‌زاده اضافه می‌کند، پس از آن، حاج احمد او را به‌عنوان فرمانـــده گردان تخریب منصوب می‌کند. مدتی نیز جانشین گردان مالک است و پس از آن مسئولیت‌های دیگری را در بخش تخریب برعهده می‌گیرد.

او درباره ورود به جبهه جنوب نیز توضیح می‌دهد: پس از مدتی برای تشکیل تیپ ۲۷ محمد رسول‌الله به جنوب اعزام می‌شوند. حدود ۲۰ بهمن سال ۱۳۶۰ وارد منطقه می‌شوند و تعداد نیروها حدود ۴۰ نفر است؛ درحالی‌که امکانات بسیار محدودی در اختیار دارند.

به گفته جهروتی‌زاده، حاج احمد متوســـلیان با همین نیروها تیپی را تشـــکیل می‌دهد که بعدهـــا ۱۱ گردان دارد. نیروهـــا حـــدود ۴۳ روز منطقه را برای عملیات شناســـایی می‌کننـــد. یکی از مأموریت‌های آنها نیز شناســـایی توپخانه دشمن است.

او روایت می‌کند، در یکی از این مأموریت‌ها، همراه شهید عباس کریمی، شـــهید رضا چراغی، شهید حسین و یکی از نیروهای بومی منطقه، وارد عمق مواضع دشـــمن می‌شوند و حدود ۹۴ قبضه توپ دشمن را شناسایی و شمارش می‌کنند.

جهروتی‌زاده یکی از شب‌های این شناسایی را از خاطرات مانـــدگار خود می‌داند و می‌گوید، در آن شـــب، زمانی که به نزدیکی مواضع توپخانه دشمن می‌رسند، دیگر امکان بازگشت ندارند؛ زیرا حرکت در روشـــنایی روز احتمال شناسایی‌شدن آنها را افزایش می‌دهد؛ بنابراین همان‌جا می‌مانند. در همین شرایط، آب همراه نیروها تمام می‌شود.

او ادامـــه می‌دهد: یکـــی از نیروها بـــرای آوردن آب به سمت تانکر عراقی می‌رود و در آنجا با دو سرباز عراقی مواجه می‌شـــود. این نیرو موفق می‌شـــود آب بیاورد و رزمندگان با همان آب وضو می‌گیرند و نماز جماعت می‌خوانند. به گفته جهروتـــی‌زاده، باوجود همه خطرها، مأموریت شناســـایی با موفقیت انجام می‌شود.

۴۷ سال زندگی نظامی یک آزاده

سرتیپ دوم آزاده و جانباز مجتبی جعفری درباره مسیر حضور خود در دفاع مقدس، هم‌رزمی با شهید چمران و ۲۵ ماه اسارت روایت می‌کند: ســـال ۱۳۳۹ متولد می‌شود و در ســـال ۱۳۵۷، پیش از پیروزی انقلاب، دیپلم می‌گیرد. او در سال ۱۳۵۸ وارد دانشکده افسری نیروی زمینی ارتش می‌شود و سه سال دوره آموزشی خود را در دانشگاه افسری می‌گذراند.

جعفری توضیح می‌دهد، در همان ســـه ســـال، هم در مرخصی‌های طولانی عید و تابستان و هم به واسطه دانشگاه، برای حضور در جبهه، آموزش نیروها و بازبینی عملیات دفاع مقدس اعزام می‌شود. به گفته او، در دوران دانشجویی بیش از هفت یا هشـــت بار به جبهه می‌رود و در عملیات مختلف شرکت می‌کند.

او یکی از مهم‌ترین حضورهای خود را مربوط به ســـال ۱۳۶۰ می‌داند؛ زمانی که حدود شش ماه از آغاز جنگ گذشته است. جعفری می‌گوید که در آن مقطع، به‌صورت داوطلبانه همراه حدود ۲۲ نفر از دانشجویان سال اول دانشکده افسری به منطقه سوسنگرد می‌رود.

در سوسنگرد، او با نیروهای شهید دکتر مصطفی چمران آشـــنا می‌شود. جعفری توضیح می‌دهد که نیروهایی که زیر نظر شـــهید چمران فعالیت می‌کنند، چریک‌های جنگ‌های نامنظم نام دارند و از رزمندگان، سربازان و نیروهای داوطلب تشکیل شده‌اند.

او ادامه می‌دهد، به واســـطه ارتباطی که از اهواز با دکتر چمران پیدا می‌کنند، به یکی از روستاهای منطقه سوسنگرد می‌روند و در کنـــار نیروهای او آموزش می‌بینند و برای یک عملیات آماده می‌شوند.

جعفری از یکـــی از اقدامات آن روزهـــا نیز یاد می‌کند و می‌گویـــد که در دو منطقه، آب کارون و کرخه به ســـمت بیابان‌های مقابل نیروهای عراقی هدایت می‌شود تا هم مانعی برای پیشروی دشمن ایجاد شود و هم حرکت نیروهای عراقی در منطقه دشوارتر شود.

به گفته او، دشمن که از تصرف اهواز و سوسنگرد ناامید شده است، در آن مناطق خاکریزهای بزرگی ایجاد می‌کند و پشـــت آنها موضع می‌گیرد. نیروهای ایرانی در کنار نیروهای شـــهید چمران آموزش می‌بینند تا یکی از این خاکریزها را منهدم کنند و مسیر آب را دوباره باز کنند.

جعفری تصریـــح می‌کند که در آن زمـــان، هدف‌های بزرگی در ذهـــن دارند؛ از جمله آزادســـازی پادگان حمید. باوجود محدود بودن امکانات و نیروهای ایرانی در مقایسه با دشمن، حضور و عملیات نشان می‌دهد که جبهه ایران خالی از نیرو نیست.

او درباره عملیات شـــب ۱۲ فروردین سال ۱۳۶۰ روایت می‌کنـــد، نیروها حملـــه می‌کنند و عملیات تـــا صبح ادامه پیدا می‌کند، اما موفق به شکســـتن خاکریز نمی‌شوند. مواد منفجره‌ای که همراه دارند برای انهدام آن خاکریز بزرگ کافی نیست و نیروها روز ۱۳ فروردین بازمی‌گردند و روز بعد دوباره در کلاس حاضر می‌شوند.

جعفری این حضور را مقدمه آشـــنایی خود با شـــهید مصطفی چمران می‌داند و می‌گوید که این شـــهید در سال ۱۳۶۰ به شـــهادت می‌رسد و فرصت زیادی برای نشان‌دادن توانایی‌هایش در جنگ پیدا نمی‌کند.

او تأکید می‌کند که ارتباط روحی و معنوی‌اش با شهید چمران پس از آن نیز ادامه پیدا می‌کند و بعدها از علاقه‌مندان و مطالعه‌کننـــدگان زندگی او می‌شـــود و در مناســـبت‌های مختلف درباره سیره و زندگی این شهید سخن می‌گوید.

جعفری چمران را شخصیتی چندوجهی توصیف می‌کند و می‌گوید که او در علم و دانش از زمان خود جلوتر اســـت، دکتـــرای فیزیک پلاســـما دارد و در آمریکا به فعالیت علمی مشـــغول اســـت، اما وقتی شـــرایط لبنان و حمـــلات رژیم صهیونیستی به این کشـــور را می‌بیند، امکانات خود را کنار می‌گذارد و راه مبارزه را انتخاب می‌کند.

به گفته او، شـــهید چمران در لبنان در کنار امام موسی صدر فعالیت می‌کند و در شکل‌گیری جنبش امل نقش دارد. در کنار روحیه مبارزاتی، انســـانی لطیف، معنوی و هنرمند اســـت، شعر می‌گوید، می‌نویســـد و نقاشی می‌کند. جعفری معتقد است حتی اگر نقاشی‌های چمران از نظر حرفه‌ای در سطح یک نقاش متخصص نباشد، نشان‌دهنده روح لطیف و هنری او است. جعفری جمع‌شدن این ویژگی‌ها در یک انسان را قابل‌توجه می‌داند و می‌گوید برای او جالب اســـت که یک فرمانده جنگی می‌تواند در عین شـــجاعت و صلابت، روحی لطیف و هنری داشته باشد.

او درباره ادامه مســـیر نظامی خود توضیح می‌دهد، پس از پایان دوره دانشکده افسری و دوره مقدماتی، از اول مهرماه سـال ۱۳۶۲ به‌عنوان فرمانده گروهان مستقیماً وارد جنگ می‌شود و تا پایان جنگ در جبهه حضور دارد. در مقطعی نیز به‌عنوان معاون گردان فعالیت می‌کند. جعفری روزهای پایانی جنگ را یکی از عجیب‌ترین مقاطع آن دوران می‌داند. او روایت می‌کند که پس از پذیرش قطعنامه ۵۹۸، قرار است آتش‌بس در ۲۹ مرداد ۱۳۶۷ برقرار شـــود، اما در فاصله میان پذیرش قطعنامه و اجرای آتش‌بس، درگیری‌هایی در جنوب و غرب کشور رخ می‌دهد و عملیات مرصاد نیز در همین مقطع انجام می‌شـــود. پس از آن قرار است نیروهای حافظ صلح سازمان ملل در مناطق مستقر شوند و آتش‌بس به‌صورت رسمی اجرا شـــود. در آن زمان، جعفری معاون گردان است و یگان آنها پس از درگیری‌های قبلی، شـــهید و مجروح داده و بخشـــی از تجهیزاتش نیز آســـیب‌دیده اســـت؛ به همین دلیل دوباره سازماندهی و بازســـازی می‌شوند. جعفری می‌گوید که شب ۲۹ مرداد به آنها مأموریت داده می‌شود یگان را به منطقه‌ای در محدوده بین دهلران و استان ایلام منتقل کنند؛ منطقه‌ای که قرار اســـت در آن آتش‌بس برقرار شود و نیروی خودی در مقابل دشمن حضور ندارد. آنها شبانه حرکت می‌کنند و مسیر بسیار دشوار اســـت. پل‌ها نیز توسط دشمن منهدم شده‌اند. سرانجام صبح، حدود ساعت شش، در مقابل نیروهای عراقی صف‌آرایـــی می‌کنند، بدون اینکه تیراندازی صورت بگیرد. نیروهای عراقی پرچم عراق را بالا می‌برند و نیروهای ایرانی نیز پرچم ایران را به نشانه آغاز آتش‌بس بالا می‌برند.

هفته دفاع مقدس، صرفاً یک مناسبت تقویمی نیست. این هفته، فرصتی برای بازخوانی حافظه جمعی ایرانیان و پرسیدن یک پرسش کلیدی است: چگونه ملتی با کمترین امکانات، در برابر تجاوزی بین‌المللی ایستاد و سربلند ماند؟ پاسخ را باید در ترکیب رهبری دینی، حضور مردمی، وحدت ملی و باور به آرمان‌های انقلاب اسلامی جست‌وجو کرد.

آنچه این هشت سال را مقدس کرد، نه‌فقط خون شهیدان، بلکه معنای تازه‌ای بود که به مفاهیمی چون وطن، دین، عزت و استقلال بخشیده شد. دشمن می‌خواست ایران را تجزیه کند، انقلاب را سرنگون سازد و اراده ملت را بشکند؛ اما نتیجه معکوس شد. دفاع مقدس به یک سرمایه اجتماعی و فرهنگی تبدیل شد که تا امروز نیز اثرگذار است.

دیدار با خانواده شهدا موجب عزت و افتخار است

شهرکرد- خبرنگار کیهان:

مدیرکل صمت استان چهارمحال و بختیاری هم‌زمان با اختتامیه دومین کنگره بزرگداشت مقام شامخ ۲۷۵۰ شهید استان با خانواده تعدادی از این یادگاران دفاع مقدس دیدار کرد.

حسن شمسی‌پوردهکردی در این دیدار ضمن قدردانی از صبر و بردباری خانواده‌های شـــهدا آرامش و اقتدار امروزه نظام اسلامی را مرهون جان‌فشانی شـــهیدان دانست و تکریم شهدا و خانواده آنان را یک فریضه و تکلیف واجب بر همگان برشمرد.

وی ضمن ادای احترام به مقام شامخ شهیدان گفت: همان‌طور که شهدا از همه افضل‌ترند خانواده شـــهدا هم از همه افضل‌تر هستند. لذا همه خود را مدیون خانواده شـــهدا می‌دانیم. شـــهدا برای حفظ امنیت و تقویت اسلام به میدان رفتند.

مدیرکل صمت شـــهدا را بااخلاص و متواضع شمرد و افزود: شهدا به‌جا و به‌موقع وظیفه شرعی خود را انجام دادند.

وی پدران و مادران شـــهدا را انســـان‌های بزرگ خواند که راضی شدند عزیزانشان را نثار کنند. وقتی پدران و مادران چنین نقش پررنگی داشتند باید آن‌چنان که باید مورد قدردانی قرار گیرند.

مدیریت جایگاه‌های سوخت برای جلوگیری از معطلی مردم

یزد- خبرنگار کیهان:

رئیس شـــورای اسلامی شـــهر یزد با تأکید بر ضرورت مدیریت مناســـب جایگاه‌های سوخت گفت: شـــرایط کشور، محدودیت‌های موجود و دشواری‌های ناشی از تحریم‌ها را درک می‌کنیم، اما انتظار می‌رود شرکت ملی پخش فرآورده‌های نفتی و دستگاه‌های مسئول با مدیریت دقیق‌تر جایگاه‌ها، از ســـردرگمی، معطلی و نارضایتی مردم جلوگیری کنند.

عزیزالله سیفی اظهار کرد: در شرایطی که با افزایش سفرهای خانوادگی و مصرف بنزین مواجه هستیم، لازم است روند تأمین و توزیع سوخت به‌گونه‌ای مدیریت شـــود که شـــهروندان هنگام مراجعه به جایگاه‌ها با مشکل و انتظار طولانی مواجه نشوند.

وی افزود: گاهی شهروندان پس از قرار گرفتن در صف و رسیدن نوبتشان با این موضوع مواجه می‌شـــوند که بنزین آزاد موجود نیست یا سهمیه بنزین با نرخ ۱۰ هزار تومان به پایان رسیده است. در برخی موارد نیز تعداد محدود کارت‌های ســـوخت در جایگاه موجب می‌شـــود خودروهای بیشتری در صف منتظر بمانند و زمان سوخت‌گیری افزایش پیدا کند.

رئیس شـــورای اسلامی شـــهر یزد با بیان اینکه مردم شـــرایط کشور و محدودیت‌های موجود را درک می‌کنند، تصریح کرد: اگر مردم بدانند کمبود یا محدودیتی وجود دارد، طبیعتاً شرایط را بهتر می‌پذیرند؛ اما نبود مدیریت و اطلاع‌رسانی مناسب، موجب نگرانی و نارضایتی می‌شود.

سیفی ادامه داد: انتظار داریم شرکت ملی پخش فرآورده‌های نفتی و سایر دســـتگاه‌های مسئول با ورود و نظارت جدی‌تر، شرایط جایگاه‌های سوخت را به‌گونه‌ای مدیریت کنند که حتی در صورت وجود محدودیت، مردم با کمترین میزان معطلی و سردرگمی مواجه شوند. وی خاطرنشان کرد: مدیریت صحیح، اطلاع‌رســـانی شفاف و برنامه‌ریزی مناســـب می‌تواند از ایجاد نگرانی در میان شهروندان جلوگیری کند و به مردم اطمینان دهد که مسائل مربوط به تأمین و توزیع سوخت در حال مدیریت است.

سرپرست جدید منابع طبیعی شهرستان تالش معرفی شد

تالش – خبرنگار کیهان:

با حضور فرماندار تالش و معاون پشتیبانی اداره‌کل منابع طبیعی و آبخیزداری گیلان، «جابر حســـینی» از کارشناســـان باسابقه این مجموعه به‌عنوان سرپرســـت جدید منابع طبیعی شهرستان تالش معرفی شد.

در مراســـمی که با حضور رضا جمشـــیدی سه‌ســـاری، فرماندار تالش و محمدرضـــا عبدالهی، معاون پشـــتیبانی اداره‌کل منابع طبیعی و آبخیزداری گیلان برگزار شد، جابر حسینی به‌عنوان سرپرست جدید اداره منابع طبیعی و آبخیزداری شهرستان تالش معرفی شد.

در این مراســـم همچنین از فرزاد حســـینی به پاس زحمات، تلاش‌ها و خدمات وی در دوران مسئولیت قدردانی به عمل آمد.

فرماندار تالش در این مراســـم بر ضرورت استمرار اقدامات مؤثر در حوزه حفاظت از منابع طبیعی، صیانـــت از عرصه‌های ملی و بهره‌گیری از ظرفیت کارشناسان و نیروهای باتجربه تأکید کرد.

رئیس شورای اسلامی شهر شیراز:

حفظ باغ‌های قصردشت با تقویت اقتصاد باغداران امکان‌پذیر است

شیراز-خبرنگار کیهان:

سیدابراهیم حســـینی، رئیس شورای اسلامی شهر شیراز، در نشست با عوامل اجرایی رویداد برای باغ‌های شیراز اظهار کرد: یکی از اهداف این رویداد آن بود که به باغداران نشـــان داده شود در کنار آنان هستیم و شرایط و مشکلاتشـــان را درک می‌کنیم، اما تحقق این هدف به مشـــارکت خود باغداران نیز نیاز دارد. تیم اجرایـــی رویداد باید فعالیت خود را با برنامه‌های گسترده‌تر ادامه دهد و در دوره‌های بعد نیز مردم، به‌ویژه باغداران قصردشت، در مرکز برنامه‌ها قرار گیرند.

وی افزود: در جامعه ما اســـتفاده از روش‌های ســـلبی و بگیر و ببند برای حفظ باغات تاکنون نتیجه مطلوبی نداشته اســـت و به همین دلیل باید برای حفاظت از باغ‌های شیراز، رویکردهای جدیدی در پیش گرفته شـــود. باغداران زمانی می‌توانند در حفظ باغ‌های خود اســـتمرار داشته باشند که در کنار مسائل زیست‌محیطی و حفاظتی، منفعت اقتصادی مشخصی نیز برای آنان ایجاد شود.

حسینی ادامه داد: یکی از موضوعاتی که در رویداد برای باغ‌های شـــیراز مطرح شد، طرح نذر آب بود که برای اجرای آن به همکاری بیشتر شورا و شهرداری نیاز است و مردم نیز می‌توانند در این مسیر نقش داشته باشند.

رئیس شورای اسلامی شهر شیراز گفت: شورا در زمینه حمایت از باغ‌ها مصوبات و اقداماتی داشـــته است که هنوز برخی از آن‌ها به تأیید نهادهای بالادســـتی نرسیده، اما باید در کنـــار پیگیری این مصوبات، راهکارهای دیگری نیز برای حفظ باغات دنبال شود.

وی افـــزود: اکنون در باغ‌ها محصـــولات مختلفی تولید می‌شود و به جای ایجاد محدودیت، می‌توان شرایطی فراهم کرد که درهـــای باغ‌ها به روی مردم باز شـــود و خانواده‌ها بتواننـــد ضمـــن بازدید از باغ‌هـــای تفریحـــی، محصولات تولیدشـــده را به‌صورت مستقیم از باغداران خریداری کنند. این تجربه می‌تواند هم بـــه افزایش درآمد باغداران و هم به حفظ باغات کمک کند.

حسینی با اشاره به نخستین دوره رویداد برای باغ‌های شیراز اظهار کرد: اجرای مرحله نخست این جشنواره به‌خوبی انجام شـــد و برگزاری چنین رویدادهایی برای شهری مانند شـــیراز ضروری است؛ زیرا شاکله و هویت این شهر فرهنگی است و مردم نیز از برنامه‌های فرهنگی استقبال می‌کنند.

وی افزود: اســـتقبال مردم شیراز از رویدادهای فرهنگی در برخـــی موارد بیشـــتر از پروژه‌های عمرانی اســـت و این موضوع نشـــان می‌دهد که نگاه مردم این شـــهر به مسائل فرهنگی، ادبی، تربیتی و اخلاقی توجه ویژه‌ای دارد.

رئیس شورای اسلامی شهر شـــیراز بیان کرد: هنوز در بسیاری از شـــهرها، از جمله شـــیراز، نگاه مدیریت شهری بیشـــتر عمرانی اســـت و حوزه فرهنگی نیازمنـــد توجه و برنامه‌ریزی بیشتری است.

حســـینی با تأکید بر ضرورت ادامه ایـــن رویداد گفت: فعـــالان فرهنگی نباید بـــه دلیل همراهی نکـــردن برخی مجموعه‌ها از ادامـــه فعالیت منصرف شـــوند، زیرا آثار این اقدامات در بلندمدت نمایان خواهد شد.

وی افزود: اضافه شدن برنامه‌های ورزشی و فرهنگی به رویداد باغ‌های شیراز موجب افزایش جذابیت آن شده است و در ادامه می‌توان با طراحی برنامه‌های جدید، حضور مردم را بیشتر کرد.

رئیس شورای اســـلامی شهر شیراز با اشـــاره به نقش دستگاه‌های فرهنگی در تداوم این رویداد اظهار کرد: انتظار می‌رفت صداوســـیما در برنامه‌های «برای باغ‌های شـــیراز» همراهی بیشتری داشته باشد و در مراحل بعد نیز باید برای تقویت پوشش رسانه‌ای این رویداد برنامه‌ریزی شود.

حســـینی تأکید کرد: در کنار حفظ و توســـعه باغ‌های شـــیراز، باید زمینه ایجاد منفعت اقتصـــادی برای باغداران فراهم شود تا آنان انگیزه لازم برای ادامه فعالیت و نگهداری از باغ‌ها را داشته باشند.

استاندار خراسان رضوی:

ساماندهی کشف‌رود راهبرد حیاتی در توسعه شمال مشهد است

مشهد - خبرنگار کیهان:

استاندار خراســـان رضوی گفت: ساماندهی کشـــف‌رود نه‌تنها ضرورت زیست‌محیطی، بلکه راهبردی حیاتی برای توسعه اقتصادی و اجتماعی شمال مشهد محسوب می‌شود.

غلامحســـین مظفـــری در نشســـت بررســـی طرح ســـاماندهی و احیای کرانه شمالی مشهد که با محوریت ســـاماندهی کشف‌رود برگزار شـــد با تأکید بر پیامدهای غفلت از توســـعه متوازن در کلان‌شهر مشهد، اظهار کرد: با توجه به شـــرایط کشـــور نباید اجازه دهیم این پروژه معطل بماند. تمامی امکانات اســـتان باید برای تســـریع در رونـــد اجرایی بـــه کار گرفته شـــود و در کنار رعایت ضوابط قانونی، طرح باید به‌گونه‌ای تعریف شود که از نظر اقتصادی توجیه‌پذیر بوده و هزینه‌های آن تا حد امکان از درآمدهای پایدار حاصل از پروژه تأمین گردد.

وی بـــا تأکید بر لزوم مشـــارکت نخبـــگان و بخش خصوصی در ایـــن فرآیند تصریح کرد: باید از ابتدای کار نظرات دانشـــگاهیان و فعالان اقتصادی را دریافت کرد تا ضمن ارتقای کیفیت اجرا، مشارکت مجموعه‌های مختلف در پیشبرد طرح جلب شود.

اســـتاندار خراســـان رضـــوی در ادامه بـــه موضوع جلوگیری از ورود فاضلاب خام به کشف‌رود اشاره کرد و گفت: احیای این رودخانه باید با برنامه‌ریزی دقیق برای بازچرخانی آب و استفاده از سازه‌های مناسب همراه باشد.

وی با اشـــاره به تجربـــه موفق دریاچـــه «چیتگر» تهران افزود: در کشـــف‌رود نیز می‌تـــوان با بهره‌گیری از ظرفیت‌هـــای موجود، فضای تفرجگاهی مناســـبی برای حضور شـــهروندان ایجاد کرد که علاوه بر سرزندگی، به نظافت و پاکیزگی پایدار این منطقه نیز کمک می‌کند.

مظفری با اشاره به ظرفیت پنج هزار و ۸۰۰ هکتاری منطقه مورد مطالعه در کشف‌رود بر لزوم تلفیق پروژه‌های اســـتانی با این طرح تأکید و بیـــان کرد: ایجاد پهنه‌های فناوری، اســـتقرار نخبـــگان و شـــرکت‌های دانش‌بنیان و تعریـــف برج‌های فنـــاوری در این محـــدوده، می‌تواند زمینه‌ســـاز شـــکل‌گیری فعالیت‌های نویـــن اقتصادی و محرک توسعه در شمال شهر مشهد باشد.

محمدرضا قلندر شریف با اشاره به راهکار فنی کنترل فشـــار گاز، آن را عاملی برای کاهش هزینه‌های تملک و آزادسازی مسیر جهت اجرای طرح‌های زیست‌محیطی و دسترسی‌های کشف‌رود دانست.

وی همچنین بر ضرورت اتصال مســـیرهای شمالی شهر به آزادراه‌های «مشـــهد-چناران» و «حرم تا حرم» تأکید کرد و افزود: تکمیل این شـــبکه دسترســـی برای کاهش ترافیک ورودی و خروجی شهر و مدیریت شرایط بحرانی حیاتی بوده و طرح‌های پیشنهادی برای مناطق ابوطالب و خیام در حال پیگیری است.

مدیـــرکل دفتر مدیریـــت عملکرد، بازرســـی و امور حقوقی اســـتانداری نیز با تأیید ایـــن چالش افزود: روند فعلی پهنه‌بندی، فرآیند اجرای پروژه‌ها را برای مشـــهد پیچیده‌تر از سایر شهرها کرده است.

مصطفـــی نجفی‌زاده همچنیـــن با اشـــاره به موانع ســـرمایه‌گذاری تصریح کرد: بسته‌های ســـرمایه‌گذاری باید شـــفاف باشند و دســـتگاه‌های خدمات‌رسان از ابتدا هزینه‌های قطعی را مشخص کنند تا سرمایه‌گذار با تغییر ناگهانی تعرفه‌ها و عوارض، دچار سردرگمی و توقف پروژه نشود.

مدیرعامل پالایش نفت اصفهان:

۹۰ درصد تجهیزات پالایشگاه اصفهان بومی‌سازی شد

اصفهان- خبرنگار کیهان:

مدیرعامل پالایـــش نفت اصفهان گفت: حدود ۹۰ درصد اقلام ســـاده و بخـــش عمده تجهیزات بومی‌سازی شده اســـت. برخی تجهیزات اساسی مانند کمپرســـورها از خارج خریداری می‌شـــود، اما تأمین قطعات پیشـــرفت زیـــادی کرده و هر پروژه جدید بومی‌ســـازی را افزایش می‌دهد. اگر استانداردها رعایت شود، از تولیدکنندگان داخلی حمایت می‌کنیم و با آموزش و توانمندسازی جلو می‌رویم.

غلامرضـــا باقری دیزج، مدیرعامل شـــرکت پالایش نفـــت اصفهان، در گفت‌وگو با خبرنگاران اظهار داشـــت: اطلاع‌رســـانی رســـانه‌ها باید باعث افزایش امیدبخشی، انگیزه‌بخشـــی، حفظ وحدت و افزایش اعتماد در جامعه شـــود که در این شرایط کشـــور نقش رسانه بسیار مؤثر است.

وی با بیان اینکه این مجموعه در میان پالایشگاه‌های با خوراک نفت خام رتبه ســـوم در تولید بنزین کشور را به خود اختصاص داده است، گفت: میانگین تولید روزانه بنزین پالایشـــگاه اصفهان ۱۲ میلیون لیتر اســـت و این مجموعه با ظرفیت ۴۳۰ هزار بشـــکه در روز سهم حدود ۲۵ درصدی در تولید ســـوخت کشور دارد و همه بنزین این مجموعه با استاندارد یورو۴ تولید می‌شود.

غلامرضـــا باقری بـــا تبیین راهبردهـــای جدید این مجموعه در حـــوزه مدیریت منابع و اجـــرای طرح‌های توسعه‌ای، ادامه داد: عملیات اجرایی طرح‌های راهبردی بـــا هدف رفع ناترازی انرژی و ارتقای کیفی ســـوخت در پالایشـــگاه اصفهان در حال اجراســـت تا با بهره‌گیری از منابـــع داخلی و توان ســـهام‌داران، زمان‌بنـــدی اجرای طرح‌های زیرســـاختی کاهش یابد. مدیرعامل شـــرکت پالایش نفت اصفهان با تشریح رویکرد اجرایی پالایشگاه اصفهان برای تحقق طرح‌های توسعه‌ای، با اشاره به تغییر ماهیت پالایشگاه‌ها پس از خصوصی‌سازی، افزود: با اینکه طبق قانون، مســـئولیت مستقیم اجرای برخی طرح‌های تکلیفی به عهده شـــرکت‌های خصوصی نیست، اما این مجتمع پالایشگاهی با هدف ایفای نقش در تأمین امنیت انرژی کشور و ارتقای کیفیت ســـوخت، با بهره‌گیری از منابع داخلـــی و آورده ســـهام‌داران، مدیریت طرح‌ها را به‌ســـمتی هدایت کرده است که ســـریع‌ترین بازدهی و نتیجه‌بخشی را برای جامعه و صنعت داشته باشد.

غلامرضا باقری با اشاره به سختی‌های مسیر ارتقای کیفیـــت فرآورده‌ها گفـــت: این مجموعـــه هم‌اکنون با اولویت‌بندی نیازهـــای عملیاتی، احداث واحدهای تولید بخار، آب